

منشأ شعر «پشت دریاها»

دکتر مرتضی قاسمی
دکتری زبان و ادبیات فارسی

چکیده

این نوشته را می‌توان با اندکی تغییرات در حوزه «بینامتنیت» یا «ادبیات تطبیقی» جای داد؛ اما نگارنده فارغ از هر دو رویکرد در این مقاله می‌کوشد خاستگاه اصلی شعر «پشت دریاها» را نشان دهد؛ سروده‌ای که یکی از مشهورترین شعرهای مجموعه **حجم سبز سپهری** است و بر پوسترها و کارت پستالهای بسیاری نقش بسته و به کتاب ادبیات فارسی دوم دبیرستان نیز راه یافته است. آقای حسین معصومی همدانی در مقاله «سپهری و مشکل شعر امروز» معتقد است که شاعر در انتخاب عنوان و توصیف این شعر به احتمال زیاد تحت تأثیر روایتی از امام صادق(ع) بوده است. پس از ایشان بسیاری با یا بدون اشاره به این مقاله، این شعر را تلمیحی به این روایت پنداشته‌اند. این مقاله پس از نقد و بررسی این نظر نشان می‌دهد که سروده سهراب در واقع الهام گرفته از شعری چینی با ترجمه خود اوست. آگاهی از این «پیش‌متن» به خواننده در درک بهتر و دریافت دقیقتر شعر کمک می‌نماید و راه را برای پژوهشهای بیشتر فراهم می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: شعر سهراب سپهری، تلمیح در شعر پشت دریاها، ادبیات تطبیقی فارسی و چینی، شعر معاصر.

مقدمه

تب تند سپهری‌گرایی در سالهای پس از انقلاب باعث شده است تا بیش از پنجاه کتاب با عناوین و رویکردهای مختلف درباره‌ی وی نگاشته شود و شاعران بسیاری تحت تأثیر شعر او قرار گیرند. به گونه‌ای که می‌توان گفت به هیچ شاعر نوپردازی این‌همه توجه نشده است. شاعری که در دوران زندگیش آن‌همه مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته بود، اینک چنین اقبالی یافته است؛ چنانکه امروزه هشت کتاب وی جزء پرفروشترین آثار ادب فارسی معاصر است؛ پدیده‌ای که از آن به «سهراب‌زدگی» یاد می‌کنند (بهنام، ۱۳۷۱: ۷۸).

این حجم گسترده‌ی مطالب، که بسیاری از آنها روگرفت، رونویسی، تکرار، حشو و گفته‌های بی‌ارزش است، حتی خواننده و منتقد جدی را خسته می‌کند. در این میان گاه یک اشتباه از نویسنده‌ای بزرگ و مشهور، غلط رایج دیگر کتابها می‌شود. یکی از این نکات، منبع الهام پشت دریاهاست. آقای حسین معصومی همدانی در مقاله‌ی ارزشمند و خواندنی «سپهری و مشکل شعر امروز» بر این باور است که سپهری در انتخاب عنوان و توصیف این شعر به احتمال زیاد تحت تأثیر این روایت باشد:

عن ابی عبدالله علیه‌السلام. قال: ان لله مدینة خلف البحر، سعتها مسيرة اربعین يوماً للشمس. فیها قوم لم یعصوا الله قطّ ولا یعرفون ابلیس. (امام صادق علیه‌السلام فرمود که خدا پشت دریاها شهری دارد که به اندازه‌ی چهل روز طول می‌کشد تا خورشید، آن را ببیند و در آن مردمی هستند که هیچ‌گاه گناه نکرده‌اند و ابلیس را نمی‌شناسند بحار الانوار، چاپ جدید، ج ۵۴، ص ۳۳۳). در صورت دیگری که از این روایت از ابن عباس نقل شده به جای «خلف البحر» (پشت دریا)، «خلف البحار السبعة» (پشت هفت دریا) آمده است (معصومی همدانی، ۱۳۶۵: ۲۷).

پس از انتشار این مقاله، نویسندگان دیگر احتمال و گمان را یکسو نهادند و با یقین از این موضوع سخن گفتند. در ادامه می‌کوشیم موارد انتساب شعر سهراب را به این روایت به شکل تاریخی و مرتب پیگیری کنیم و سپس به نقد و بررسی آن پردازیم. سرانجام نشان خواهیم داد که سپهری پشت دریاها را با الهام از شعری چینی سروده که به ترجمه‌ی خود او در مجله‌ی سخن چاپ شده است.

پیشینه

پس از چاپ مقاله‌ی معصومی همدانی، آقای صالح حسینی در کتاب خود با عنوان نیلوفر خاموش درباره‌ی ارتباط شعر سهراب با این حدیث می‌گوید: «نکته‌ی بسیار جالب اینکه

فاضل ارجمند آقای معصومی همدانی، عنوان شعر و توصیف شاعر را از شهر پشت دریاها به احتمال قریب به یقین منبعث از روایتی از امام صادق دانسته‌اند» (حسینی، ۱۳۷۹: ۵۳).

ایشان «احتمال زیاد» معصومی همدانی را به «احتمال قریب به یقین» تبدیل کرده است و پس از وی دیگران احتمال نداده، و یقین کرده‌اند.

آقای محسن الهامی در مقاله «پشت دریاها»^۳ این حدیث را بدون احتمال به نقل از کتاب نیلوفر خاموش آورده است (الهامی، ۱۳۷۷: ۳۰).

در همین سال دکتر سید محمد راستگو، در یادمان سهراب سپهری در کاشان درباره «خاستگاه اندیشه در اشعار سهراب سپهری» سخنرانی می‌کند. این سخنرانی در دو بخش جدا در نشریه «فردا» به چاپ می‌رسد (۱۳۷۷ / ۳ / ۲۸ و ۱۳۷۷ / ۴ / ۲۸). در این سخنرانی وی بدون اشاره به معصومی همدانی می‌گوید:

محور اصلی یکی از شعرهای معروف سهراب، یعنی پشت دریاها شهری است / که در آن پنجره‌ها رو به تجلی باز است ... همین است که پشت دریاها شهری است و آن شهر یک شهر آرمانی است. یک شهر ایده‌آل است؛ شهری که با این شهرهایی که ما می‌شناسیم کاملاً فرق می‌کند. ما این روایت را از قول امام صادق (ع) داریم: «ان لله مدینة خلف البحار سبعة^۴ مسیرها اربعین يوماً للشمس فیها قوم لم یعصوا الله و لا یعرفون ابلیس» (خدا را در پشت دریاها هفت‌گانه، شهری است که گنجایش و گستره آن شهر با مسیر چهل روز خورشید مساوی است. در آن شهر قومی هستند که هرگز گناه خدا را نکرده‌اند؛ شیطان را اصلاً نمی‌شناسند) (راستگو، ۱۳۷۷: ۶).

ایشان صورت دوم این روایت را نقل کرده و به بحارالانوار ارجاع داده‌اند. آن‌گاه نتیجه گرفته‌اند «این نشان می‌دهد که سهراب نه تنها به قرآن، بلکه به کتابهای حدیثی هم سر می‌زده و با آنها هم انسی داشته و این نکته‌های ناب را از آن کتب استفاده کرده است» (همان: ۶).

بعد از وی محمد مکی‌آبادی نیز در مقاله‌ای می‌نویسد: «[پشت دریاها] دقیقاً همان چیزی است که امام صادق (ع) به آن اشاره کرده است» (مکی‌آبادی، ۱۳۸۰: ۱۴) و در ادامه، حدیث را کامل ذکر می‌کند. ایشان در پی نوشت، این حدیث را به بحارالانوار ارجاع داده است اما بحارالانوار در فهرست منابع نیامده است. با توجه به فهرست منابع باید گفت منبع ایشان نیز نیلوفر خاموش است.

آقای محمد ابراهیم ضرابیها در کتاب *نگاه ناب، تفسیری جامع، نمادین، عرفانی و ادبی از مجموعه اشعار هشت کتاب سپهری*^۶ بدون اشاره به سابقه چنین دیدگاهی نوشته است: «این شهر بدون شک همان خصوصیات را دارد که امام صادق (ع) وصف آن را فرموده است» (ضرابیها، ۱۳۸۴، ج ۲: ۱۲۷۰)؛ سپس عین حدیث را نقل کرده و به *بحارالانوار* ارجاع داده است.

آقای دکتر شمیسا نیز در چاپ اخیر کتاب *نگاهی به سپهری* در پانویس چنین آورده است: «آقای مهندس حسین معصومی همدانی (*پیامی در راه*)^۷ تصویر دیگری از این مدینه فاضله را در حدیثی (*بحارالانوار*، ج ۵۴، ص ۲۲۳۸) یافته است که آن هم شبیه به مدینه فاضله سپهری در پشت دریاهاست» (شمیسا، ۱۳۹۲: ۲۴۸). شایان ذکر است که تا چاپ هفتم کتاب شمیسا چنین اشاره‌ای را نداریم.

پس از ذکر روند انتساب شعر سهراب به این روایت بایسته است به تنها منبعی پردازیم که به منشئی غیر از حدیث امام صادق (ع) اشاره کرده است. در مقاله «امپرسیونیسم در شعر سهراب سپهری» نویسندگان شباهتی بین پشت دریاها و اشعار کهن ژاپنی یافته‌اند:

احساس تسلیم و توکل، اعتقاد به تبدیل‌پذیری دنیای خاکی و اینکه هر موجود زنده‌ای می‌میرد و هر دیداری جدایی در پی دارد، جوهر مانیوئ شو^۹ را ساخته است که در شعر سپهری نیز این مفاهیم را می‌توان دید:

زندگی را/ به چه مانند توان کرد/ بامدادان قایقی رانده به دریا/ اثرش به ساحل نقش بر آب (سامی - نو - مانزه‌ای) (گل صدبرگ، ۱۳۷۲: ۱۶۱).

سپهری نیز می‌گوید: قایقی خواهم ساخت/ خواهم انداخت به آب/ دور خواهم شد از این خاک غریب (یاحقی و پارسا، ۱۳۸۷: ۲۳۳).

قضاوت درباره ارتباط این شعر ژاپنی با شعر سپهری را به خوانندگان وامی‌گذاریم؛ اما اکنون که روند دقیق ارتباط این شعر را با روایت امام صادق (ع) دیدیم به نقد آن می‌پردازیم.

ریشه‌های نگرش سپهری و بررسی روایت

درباره ریشه‌های نگرش سپهری، کتابها و مقالات بسیاری نگاشته شده است. این مقاله درصدد جست‌وجو و بررسی همه آنها نیست؛ زیرا از هدف اصلی خود دور می‌افتد. در

مجموع بررسی این کتابها و مقالات می‌توان گفت سپهری در مرگ رنگ تحت تأثیر نیما یوشیج و فریدون توللی است.^{۱۰} در زندگی خواب‌ها تأثیر سوررئالیسم مشهود است. سپهری در آوار آفتاب گرایش خود را به شرق در مقدمه می‌آورد: «آنجا [غرب] انسان خدا نتواند شد، به بی‌پایان نیارد پیوست. اینجا انالاحق می‌زند. به گرمان می‌رسد، به برهن می‌پیوندد. بودا می‌شود، به تائو راه می‌یابد. آنجا سرانجام حضور خدا، رهرو را از پیشروی باز می‌دارد (پژوهش برگسون و اکهارت در عرفان مسیحی) و اینجا همسانی با طبیعت پایان راه نیست (zen)» (سپهری، ۱۳۶۷: ۲۸۹). در این نوشته علاقه به عرفان ایرانی، بودیسم، تائویسم و ذن آشکار است. این توجه به شرق بویژه شرق دور را می‌توان در کتابهای اتاق آبی و هنوز در سفرم نیز دید. در شرق اندوه تأثیر مولوی در همه ابعاد شعر- از ریتم و شکل گرفته تا کاربرد اصطلاحاتی مانند لا، فنا، هو، حق و ...- نمایان است. از صدای پای آب، که سپهری به سبک شخصی خود دست می‌یابد، تأثیر همه این اندیشه‌ها همراه با رمانتیسیسم غربی، عرفان اسلامی، کتابهای آسمانی ادیان مختلف و ... را می‌توان دید. با این‌همه نباید نگاه خاص و سبک فردی سپهری را نادیده گرفت.

او در صدای پای آب می‌گوید: «من مسلمانم» و در پی آن از «جانماز، مهر، وضو، اذان، تکبیره‌الاحرام و نماز» سخن می‌گوید. اوج اشارات سپهری به قرآن و آیین اسلام را می‌توان در شعر «سوره تماشاً» دید که حتی نام شعر مرتبط با قرآن است.^{۱۱} سپهری در شعر «شورم را» در دفتر شرق اندوه به همه‌دینی خود اشاره می‌کند: «قرآن بالای سرم، بالش من انجیل، بستر من تورات و زبرپوشم اوستا/ می‌بینم خواب/ بودایی در نیلوفر آب» (سپهری، ۱۳۷۸: ۲۳۸). در این شعر می‌بینیم که سهراب آب را از سرچشمه بر می‌دارد و با تکریم از همه کتابهای مقدس دینی یاد می‌کند؛ در جایی دیگر می‌گوید: «من ودا می‌خوانم» (همان: ۳۴۳). در هیچ‌کدام از این اشعار به احادیث اشاره‌ای نمی‌شود؛ حتی در چند مورد از فقه به طنز یاد می‌کند؛ برای مثال در صدای پای آب می‌گوید: «سر بالین فقیهی نومید، کوزه‌ای دیدم لبریز سؤال» (همان: ۲۷۸) یا «من قطاری دیدم فقه می‌برد و چه سنگین می‌رفت» (همان: ۳۹۲)؛ همچنین او دلش می‌گیرد وقتی حوری دختر بالغ همسایه پای کمیابترین نارون روی زمین فقه می‌خواند (همان: ۳۹۲). با این مقدمات باید گفت الهام‌پذیری سهراب از روایت امام صادق (ع) اندکی بعید

به نظر می‌رسد. بویژه اینکه هیچ یک از پژوهشگرانی که به تحقیق درباره تلمیح در شعر سپهری پرداخته یا منشأ شعر و اندیشه او را واکاوی کرده‌اند در شعر او جز همین روایت به روایت یا حدیث دیگری اشاره نکرده‌اند. دلیل آن نیز واضح است؛ زیرا توجه سپهری بیشتر به کتابهای آسمانی است تا روایت. با این توضیحات باید منشأ شعر پشت دریاها را در جای دیگری جست.

منشأ شعر پشت دریاها

اثر ادبی در خلأ آفریده نمی‌شود؛ بنابراین از سویی از جامعه و آثار پیشین تأثیر می‌پذیرد و از سوی دیگر در صورت ارزشمندی بر آنها تأثیر می‌نهد. این تأثیرپذیری در بلاغت کهن با واژه‌هایی نظیر نقل، أخذ، اقتباس، تلمیح، تضمین، توارد و ... بیان شده است و نشان می‌دهد پیشینیان پیش‌متن، مأخذپژوهی یا منبع‌الهام را همیشه در نظر داشته‌اند. در عصر کنونی ژولیا کریستوا، نظریه‌پرداز پسا ساختارگرای فرانسوی، اصطلاح بینامتنیت را برای این امر وضع کردند. بر مبنای بینامتنیت هیچ متن مستقلی وجود ندارد بلکه متون «بر اساس نظامها، رمزگانها و سنتهای آثار ادبی پیشین بنا می‌شوند» (آلن، ۱۳۹۲: ۱۱). از این رو معنای بسیاری از متنها با ارجاع به سایر متون شکل می‌گیرد و گسترش می‌یابد. یکی از وظایف تاریخ ادبیات این است که «پیوسته مسائل مربوط به تأثیر و نفوذ و تقلید و اقتباس را بررسی کند» (نجفی، ۱۳۵۱: ۴۴). شعر سپهری نیز از این امر مستثنا نیست. یکی از این اشعار، پشت دریاها از مجموعه حجیم سبزه است؛ شعری در آرزوی آرمانشهر. این شعر را می‌توان به دو بخش با ساختار تقابلی تقسیم کرد که در یکسو «خاک غریب» قرار دارد و در دیگر سو، شهری در «پشت دریاها»^{۱۲}. در خاک غریب قهرمانان بی‌شعش به خواب رفته و عشق را فراموش کرده‌اند. در اینجا مردانش شجاعت، بزرگی و عظمت اسطوره‌ها را ندارند و زنانش به سرشاری و لذت‌بخشی خوشه انگور نیستند. در تالارهایش که باید محل عیش و شادی باشد، خبری از سرخوشی نیست. این شهر آن‌قدر تاریک و بی‌روح است که حتی چاله‌آبی هم مشعلی را نشان نمی‌دهد؛ بنابراین شاعر از این شهر شبزده دل می‌کند.

سهراب در پی گریز از این شهر دلمرده و مردم بی‌عشق، شهری خیالی در آن سوی دریا می‌سازد که کاملاً در تضاد با آن است. در اینجا برخلاف شهر شبزده، پنجره‌ها رو

به تجلی، کشف و شهود و روشنی باز است. کبوترها به تکاپوی عقل بشری می‌نگرند که چون فواره‌ای اوج می‌گیرد و به زمین باز می‌گردد. در این دیار پاک دست هر کودک ده‌ساله، شاخه معرفتی است و مردم با نگاهی تازه به هر چیز می‌نگرند. در تضاد با خاک غریب، در این شهر، احساسات انسان درک می‌شود و برخلاف مردان بی‌اسطوره آنجا در این بهشت خیالی صدای پرندگان اساطیری می‌آید. علاوه بر این در تقابل با قهرمانان خواب‌گرفته در اینجا سحرخیزانی هستند که بازشدن چشمانشان خبر از طلوع خورشید می‌دهد. در این آرمانشهر برخلاف افلاطون، که شاعران را به شهر رؤیایش راه نمی‌داد، شاعران، «وارث آب و خرد و روشنی» اند. بنابراین شاعر باید قایقی بسازد تا قدم در «دیار پاک» و «بهشت مطلوب» نهد.

اکنون این مضمون را با شعر زیر- که سپهری از شاعری چینی ترجمه کرده است-

مقایسه می‌کنیم.

جهانی است زبون. / تاب مهر ندارد، تاب عشق ندارد. / جانا، گیسوان گرانبارت را
آویخته دار، / پای برهنه کن / و مرا از پی بیا. // ^{۱۳} بهل گیتی را / تا جان در ره مهر
ببازیم. / خواهم دست تو برگرفت، / مهربانا مرا از پی بیا. / افتد که خارها در پای
خلد. / افتد که ما را تگرگ سرشکند. / مرا از پی بیا، / خواهم دست تو برگرفت. /
بدر رویم از زندان و رهایی بازیابیم. // نگارا، / مرا از پی بیا، / جهان خاکیان در پس
است. / بنگر مگر این فراخ دریای سپید نیست؟ / فراخ دریای سپید، / رهایی بیکران
و نیز من و نیز تو و نیز عشق. / نگر تا به انگشت چه می‌نمایم: / آبی ستاره‌ای خرد
در افق، / و دیگر جزیره‌ای که به خاکش سبزه‌هاست، / و تازه گل‌هاست و زیبا
جانوران است و پرندگان است. / سبک بدین زورق بادپا برآ. / زی خاک طلا روان
شویم - / خاک مهر و شادمانی و رستگاری - / جهانان جاودان بدرود» «هسو چیه مو
Hsu Chih Mo (سپهری، ۱۳۴۱: ۹۵۹ و ۹۵۸).^{۱۴}

شباهت مضمون این شعر با پشت دریاها چندان آشکار است که به توضیح نیاز ندارد؛ با این همه باید گفت این شعر نیز مانند پشت دریاها از دو بخش تشکیل شده است: شاعر در بخش نخست از این جهان زبون، که تاب مهر و عشق ندارد، خسته است و در بخش دوم از معشوقش می‌خواهد به زورق بادپا پا نهد و به سوی جزیره‌ای روان شود که خاکش پر از سبزه‌ها و تازه گل‌هاست؛ سرزمینی طلایی با مهر و شادمانی و رستگاری. علاوه بر ساختار کلی یکسان و عناصر مشترکی چون سفر به آن سوی دریا،

قایق (زورق)، تأکید بر مهر و عشق و رستگاری، ساختار آغاز و پایان هر دو شعر نیز همسان است. سپهری شعر خود را با عبارت «قایقی خواهم ساخت» شروع می‌کند و با «قایقی باید ساخت» به پایان می‌رساند. شاعر چینی نیز با «جهانی است زبون» آغاز می‌کند و با «جهانا جاودان بدرود» به پایان می‌برد؛ بدین‌سان هر دو شعر، لزوم سفر از جهان خاکیان را تبیین می‌کند. تفاوت عمده این شعر با پشت دریاها در این است که سپهری قصد دارد به تنهایی سفر کند اما شاعر چینی با معشوقش رهسپار سفر خیالی است.

مقایسه شعر سپهری با روایت امام صادق (ع) و شعر چینی، بیشتر درستی سخن ما را نشان خواهد داد. در روایت امام صادق (ع) آمده است که در آنجا مردمانی هستند که گناه نکرده‌اند و ابلیس را نمی‌شناسند اما در شعر سپهری به این موضوع اشاره‌ای نشده است و می‌توان گفت شباهت شعر سپهری با روایت امام صادق (ع) تنها در عنوان آن است در حالی که همان‌طور که دیدیم این شعر با شعر چینی وجوه مشترک بسیاری دارد: تقابل دوگانه جهان زبون با خاک طلا- سفر با قایق- رسیدن به رهایی بیکران و عشق- و در پایان هر دو شعر تأکید بر رفتن و بدرود گفتن جهان خاکیان؛ همچنین ترجمه این شعر به دست خود سپهری.

نکته شایان ذکر دیگر این است که زبان نرم و لطیف سپهری نیز تحت تأثیر اشعار چینی، ژاپنی و هندی است. سپهری در یادداشتی تأثیرپذیری خود را از اشعار چینی و هندی آشکارا بیان می‌کند که ما حسن ختام مقاله را به آن اختصاص می‌دهیم: «گل غرب در خانه من پژمرده است و من گیاهان دیگر را آب می‌دهم. در شعر چین و سرود هند گم شده‌ام. پاره‌ای از دوستان در اندیشه من به ریشه هندی می‌رسند. زمانها باید تا به شناسایی هند بزرگ نزدیک شوم. با این همه شادم که در آن دیار مهمانی زودآشنا خواهم بود» (سپهری، ۱۳۸۰: ۷۱).

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه در این نوشتار گذشت، می‌توان نتیجه گرفت آقای حسین معصومی همدانی در مقاله ارزشمندی تحت عنوان «سپهری و مشکل شعر امروز» احتمال می‌دهد که سپهری در سرودن شعر پشت دریاها تحت تأثیر حدیث امام صادق (ع) به نقل از

مجله پنجاه و چهارم بحارالانوار بوده است و پس از وی عده بسیاری احتمال ایشان را با یقین- و با یا بدون استناد- نقل کرده‌اند در حالی که روایت امام صادق (ع) و این شعر تنها در عنوان با هم همسان هستند و از نظر مضمون تفاوت بسیاری دارند؛ با این- همه نقل مکرر این سخن نزدیک بود که آن را به واقعیتی تاریخی- ادبی تبدیل سازد. نگارنده وظیفه خود دانست تا مأخذ اصلی شعر را نشان دهد و در این راه به ترجمه شعرهای چینی و ژاپنی به همت خود سپهری رسید. مطالعه این ترجمه‌ها نشان داد سهراب در برگزیدن زبان نرم و لطیف نگاهی به شعرهای چینی و ژاپنی داشته است و منبع الهام وی در سرودن پشت دریاها یکی از همین شعرهای چینی با ترجمه خود اوست که در سال ۱۳۴۱ در مجله سخن شماره نه و ده دوره سیزدهم به چاپ رسیده است. آگاهی از این پیش‌متن، مانع بدخوانی شعر می‌گردد و یاریگر ما در درک بهتر شعر خواهد بود. علاوه بر این می‌توان آن را گامی در راه ادبیات تطبیقی یا بینامتنیت تلقی کرد.

پی‌نوشت

۱. دو سال بعد این مقاله عیناً در *یادمان سهراب سپهری* به کوشش ناصر بزرگمهر (در صفحات ۲۲۳-۲۱۰) به چاپ رسید. مدتی بعد این مقاله در سال ۱۳۷۸ در *باغ تنهایی* به کوشش حمید سیاه‌پوش (در صفحات ۴۱-۲۷) چاپ شد و سرانجام خانم سارا ساور سفلی (۱۳۸۸) در کتاب *خانه دوست کجاست: نقد و تحلیل اشعار سهراب سپهری* (صفحات ۲۲۵-۲۰۳) کتاب را به این مقاله اختصاص داد.
۲. چاپ اول *نیلوفر خاموش* در سال ۱۳۷۱ است.
۳. این مقاله بدون کوچکترین تغییری دوباره در روزنامه *رسالت* (۱۶/ ۱۰/ ۱۳۸۳، ص ۱۵) با عنوان «پشت دریاها، تحلیل اشعار سهراب سپهری» آمده است. همچنین مقاله را با اندکی تغییر در کتاب *آرمان‌شهر سپهری* نیز می‌توان دید که حدیث در صفحه ۲۴ کتاب قرار گرفته است.
۴. «خلف البحار السبعه» درست است که احتمالاً به اشتباه تاپپی «ال» از «سبعه» افتاده است.
۵. عیناً به همین شکل «گناه خدا را نکرده‌اند» در متن آمده است!
۶. این حشو و گستردگی در عنوان کتاب در شرح شعرها نیز کاملاً مشهود است.
۷. دکتر شمیسا به *پیامی در راه* ارجاع داده ولی در این کتاب مقاله دیگری از معصومی آمده است که به حدیث اشاره‌ای ندارد!
۸. این حدیث در صفحه ۳۳۳ *بحارالانوار* آمده است و آقای معصومی همدانی هم به همین صفحه ارجاع داده‌اند اما در کتاب شمیسا به دلیل اشتباه چاپی ۲۲۳ درج شده است.

۹. «در پایان دوره «نارا» (اواخر قرن هشتم میلادی) یعنی پس از اقتباس خط چینی، مجموعه‌ای از اشعار ژاپنی زیر عنوان «مانیوه شو» (مجموعه هزار برگ) فراهم آمد» (یاحقی و پارسا، ۱۳۸۷: ۲۴۳). (ایشان توضیحات را از هاشم رجبزاده نقل کرده‌اند).
۱۰. برای این منظور، مقاله «سپهری در سلوک شعر» از داریوش آشوری را ببینید. این مقاله در کتاب **باغ تنهایی** صفحات ۲۶-۱۱ به چاپ رسیده است. همچنین منوچهر آتشی در کتاب **سهراب: شاعر نقش‌ها** به این موضوع پرداخته است.
۱۲. برای آگاهی از تلمیحات این شعر مراجعه کنید به **نیلوفر خاموش** از صالح حسینی. بعد از این کتاب با یا بدون اشاره به آن، این تلمیحات در مقالاتی ذکر شده است که اکنون مجال بررسی آن نیست.
۱۳. در کتاب **معراج شقایق، تحلیل ساختاری شعر سهراب** این شعر دارای هفت بخش است: ۱. تدارک سفر ۲. منظور از سفر ۳. دور شدن از شهر ۴. تأکید بر دور شدن ۵. به سوی آرمانشهر ۶. خورشید آرمانشهر ۷. لزوم ساختن قایق برای رفتن. (غیائی، ۱۳۸۷: ۱۶۳-۱۵۹). لازم به ذکر است مبنای این تقسیم بندی بر اساس تعداد بندهای شعر است.
۱۴. برای جدا کردن هر خط شعر از علامت «//» و برای جدا کردن هر بند از «//» استفاده شده است.
۱۵. جالب است که آقای صالح حسینی، این شعر و دیگر شعرهای ترجمه سپهری را در کتاب خود آورده اما توجهی به آنها نکرده است (حسینی، ۱۳۷۹: ۱۸۵-۱۷۴).

منابع

- آلن، گراهام؛ **بینامتنیت**؛ ترجمه پیام یزدانجو، چ چهارم، تهران: نشر مرکز، ۱۳۹۲.
- الهامی، محسن؛ **آرمان‌شهر سپهری**؛ تهران: پایا، ۱۳۷۷.
- _____؛ «پشت دریاها»؛ **فصلنامه ادبیات معاصر**، س سوم، ش ۲۳ و ۲۴، ۱۳۷۷؛ ص ۳۲-۲۸.
- _____؛ «پشت دریاها؛ تحلیل اشعار سهراب سپهری»؛ **روزنامه رسالت**، (۱۳۸۳/۱۰/۱۶)؛ ص ۱۵.
- بهنام، مسعود؛ «پدیده‌ای به اسم سهراب‌زدگی در شعر امروز»؛ **فصلنامه کرمان**، س اول، ش ۴، ۱۳۷۱؛ ص ۸۰-۷۸.
- حسینی، صالح؛ **نیلوفر خاموش**؛ چ پنجم، تهران: نیلوفر، ۱۳۷۹.
- راستگو، سیدمحمد؛ «رد پای متون مذهبی در اشعار سهراب»؛ **نشریه فردا**، (۱۳۷۷/۳/۲۸)؛ ص ۶.

سپهری، سهراب [مترجم]؛ «اشعار چینی»؛ سخن، دوره سیزدهم، ش ۹ و ۱۰، ۱۳۴۱؛ ص ۹۵۹-۹۵۳

_____؛ «مقدمه آوار آفتاب»؛ در یادمان سهراب سپهری؛ به کوشش ناصر بزرگمهر، تهران: دفتر نشر آثار هنری، ۱۳۶۷.

_____؛ هشت کتاب؛ چ بیست و دوم، تهران: طهوری، ۱۳۷۸.

_____؛ هنوز در سفرم (یادداشت‌های منتشر نشده)؛ به کوشش پریدخت سپهری، چ دوم، تهران: فرزانه روز، ۱۳۸۰.

شمیسا، سیروس؛ نگاهی به سپهری؛ چ نهم، تهران: صدای معاصر، ۱۳۹۲.
ضرابیها، محمدابراهیم؛ نگاهی ناب، تفسیری جامع، نمادین، عرفانی و ادبی از مجموعه اشعار هشت کتاب سپهری؛ ج ۲، تهران: بینادل، ۱۳۸۴.

غیاثی، محمدتقی؛ معراج شقایق: تحلیل ساختاری شعر سهراب سپهری؛ تهران: مروارید، ۱۳۸۷.

معصومی همدانی، حسین؛ «سپهری و مشکل شعر امروز»؛ کیهان فرهنگی، س سوم، ش ۲، ۱۳۶۵؛ ص ۲۷-۲۳.

۱۰۱ مکی‌آبادی، محمد؛ «تلمیح در شعر سهراب»؛ روزنامه همشهری، (۱۳۸۰/۶/۲۶)؛ ص ۱۴.
نجفی، ابوالحسن؛ «ادبیات تطبیقی چیست؟»؛ ماهنامه آموزش و پرورش، ش ۱۳۰، ۱۳۵۱؛ ص ۴۴۸-۴۳۵.

یاحقی، محمدجعفر و پارسا، شمسی؛ «امپرسیونیسم در شعر سهراب سپهری»؛ فصلنامه علمی-پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س)، س هجدهم، ش ۷۴، ۱۳۸۷؛ ص ۲۴۵-۲۲۷.

